

انصفاً شأن

علیرضا ماشی نژاد



مجموعه مقالات خوشنویسی

- درآمدی بر مبانی زیبایی‌شناسی خوشنویسی
- مبانی عرفانی «صفاء» و «شأن» در رساله‌ی آداب المشق
- تأثیر عرفان و تصوف در تحولات خوشنویسی ایرانی در قرن‌های هفتم تا نهم هجری قمری
- خطاطی و عرفان
- قرآن‌نویسی در قرن‌های هفتم و هشتم هجری قمری
- نگاهی دیگر به تاریخ و علل پیدایش و تحول خط شکسته
- معرفی یکی از قدیمی‌ترین کتیبه‌ها به خط نستعلیق
- باقوت مستعصمی و سبک‌شناسی قلم نسخ و معرفی سه نسخه‌ی جعلی منسوب به باقوت
- نگاهی نو به زندگی عمادالکتاب قزوینی
- زبده‌ی قواختایی
- گزارش نسخه‌شناسی کلیات اشعار خواجه‌ی کرمانی، کتابت سال ۷۵۰ ه. ق
- معرفی مشهورترین نسخه از اشعار خواجه‌ی کرمانی به خط میرعلی تبریزی
- در باره‌ی خط نسخه‌ی الابنیه عن حقایق الادویه
- در باره‌ی کتاب احوال و آثار درویش عبدالمجید طالقانی
- افسانه‌ای دیگر درباره‌ی میرعماد خوشنویس
- دریافتی نو در وجه تسمیه و عوامل پیدایش خط نستعلیق



از صفا تا شان

علیرضا هاشمی شراد



۱۳۹۷

سرشناسه :
 عنوان و نام پدیدآور :
 مشخصات نشر :
 مشخصات ظاهری :
 شابک :
 وضعیت فهرست نویسی :
 بادداشت :
 عنوان دیگر :
 موضوع :
 موضوع :
 موضوع :
 موضوع :
 موضوع :
 موضوع :
 موضوع :
 رده بندی کنگره :
 رده بندی دیویی :
 شماره کتابشناسی ملی :

هاشمی نژاد، علیرضا، ۱۳۴۴-
 از صفا تا شأن : مجموعه مقالات خوشنویسی / مولف علیرضا هاشمی نژاد.
 کرمان : نشر مانوش، ۱۳۹۷.
 ۳۵۶ ص: مصور.
 ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۸۰-۲۶-۲
 فیبا
 کتابنامه.
 مجموعه مقالات خوشنویسی.
 خوشنویسی -- ایران -- تاریخ
 Calligraphy -- Iran -- History
 خوشنویسی اسلامی -- ایران -- تاریخ
 Islamic calligraphy -- Iran -- History
 خط نستعلیق
 Writing, Nastaliq
 ۱۳۹۷ ۲۸۲ف / NK۳۶۳۹
 ۷۴۵/۶۱ فا
 ۵۳۹۲۱۳۲



از صفا تا شأن

مجموعه مقالات خوشنویسی
 علیرضا هاشمی نژاد

صفحه‌آرایی: آرین طوفان
 تذهیب پشت جلد: اکرم خالقی
 چاپ نخست: پاییز ۹۷
 شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
 بها: ۳۹۰۰۰ تومان

لینوگرافی و چاپ: فرهنگ

شناسه کتاب مانوش: ES-MP-001/01

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۸۰-۲۶-۲

همه‌ی حقوق چاپ و نشر این اثر محفوظ و در اختیار نشر مانوش است.

مرکز بخش اول: تهران، خیابان فخر رازی، کوچه فاتحی داریان، ساختمان ناشران فخر رازی، کتاب آبان

تلفن: ۰۲۱-۶۶۰۷۱۴۹۳-۹۵ www.abanbook.net

مرکز بخش دوم: تهران، خ ایرانشهر جنوبی، کوچه شریف، شماره ۲، چاپ و نشر نظر

تلفن: ۰۲۱-۸۸۳۴۴۵۲۵ www.nazarpub.com

دفتر نشر و فروشگاه مرکزی: کرمان، بلوار جمهوری، مجتمع برج اول، طبقه دوم، واحد ۴۱

تلفن: ۰۳۴-۳۳۶۵۸۲۴۴

فروشگاه شماره ۲: کرمان، خیابان هزارویکشب، کوچه شماره سه، خانه‌ی هنر

فروش اینترنتی: www.manooshpub.com

Instagram: @pub.manoosh

Telegram: @manooshpub

تصمیم بہرہ
پاور، یہ

فهرست

پیش‌گفتار / ۹

بخش اول: مبانی نظری

- درآمدی بر مبانی زیبایی‌شناسی خوشنویسی / ۱۷
- مبانی عرفانی «صفا» و «شان» در رساله‌ی آداب المشق / ۲۹
- تأثیر عرفان و تصوف در تحولات خوشنویسی ایرانی در قرن‌های هفت تا نه قمری / ۳۹
- ضرورت درک مرتبه‌ی زیبایی در هنر اسلامی / ۴۹
- دیدگاه مولانا در باره‌ی هنر / ۵۹
- خطاطی و عرفان / ۶۷

بخش دوم: تاریخ خوشنویسی

- قرآن‌نویسی در قرن‌های هفتم و هشتم هجری قمری / ۷۷
- نگاهی دیگر به تاریخ و علل پیدایش و تحول خط شکسته / ۹۷
- معرفی یکی از قدیمی‌ترین کتیبه‌ها به خط نستعلیق / ۱۱۱
- میرزا کاظم‌خان روتق علی خوشنویس اواخر دوره‌ی قاجار / ۱۲۷
- یاقوت مستعصمی و سبک‌شناسی قلم نسخ و معرفی سه نسخه‌ی جعلی منسوب به یاقوت / ۱۴۱
- جایگاه احمد نجفی زنجان‌ی در خوشنویسی معاصر / ۱۶۱
- قلم رقعہ / ۱۶۷
- نگاهی نو به زندگی و آثار میرزا محمدحسین‌خان سیفی قزوینی (عماد‌الکتاب) / ۱۶۹

بخش سوم: نسخه شناسی

رَبْعَه‌ی قِراختایی / ۱۸۹

معرفی قرآن شماره‌ی ۱۸ از گنجینه‌ی موزه و کتابخانه‌ی ملک تهران / ۲۱۳

گزارش نسخه‌شناسی کلیات اشعار مولانا الاعظم خواجوی کرمانی، نسخه‌ی موزه‌ی ملک، کتابت سال ۷۵۰ه.ق / ۲۱۷

معرفی مشهورترین نسخه از اشعار خواجوی کرمانی نسخه کتابخانه‌ی بریتانیا، کتابت ۷۹۸ه.ق / ۲۲۷

در باره‌ی خط نسخه‌ی الالبینیه عن حقایق الادویه / ۲۶۱

طوفان البكاء به همراه ملحقات (چاپ سنگی) / ۲۷۹

مشق خوش خیامی / ۲۸۷

بخش چهارم: نقد کتاب

قطّاعی و قطعہ / ۲۹۹

کتاب‌شناسی خوشنویسی / ۳۰۷

در باره‌ی کتاب احوال و آثار درویش عبدالمجید طالقانی / ۳۱۳

افسانه‌ای دیگر در باره‌ی میرعماد خوشنویس / ۳۱۹

آسیب‌شناسی نقد در خوشنویسی / ۳۲۹

در باره‌ی وجه تسمیه و علل پیدایش خط نستعلیق / ۳۳۳

منابع / ۳۳۷

نمایه / ۳۴۷

فهرست محل چاپ یا ارائه‌ی مقاله

- درآمدی بر مبانی زیبایی‌شناسی خوشنویسی /
ارائه در کنفرانس بین‌المللی زیبایی‌شناسی دین، ۱۳۸۴. چاپ در فصلنامه هنر، شماره ۷۰، زمستان ۱۳۸۵
- میانی عرفانی «صفا» و «شان» در رساله‌ی آداب المشق /
چاپ در مجله گلستان هنر، شماره ۵، پاییز ۱۳۸۵، فرهنگستان هنر.
- تأثیر عرفان و تصوف در تحولات خوشنویسی ایرانی در قرن‌های هفت تا نه قمری /
ارائه در گرد همایی مکتب شیراز، شیراز، ۱۳۸۷، چاپ در مجله مطالعات ایرانی، شماره ۱۷، بهار ۱۳۸۹، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- خطاطی و عرفان /
چاپ در دانشنامه جهان اسلام، جلد ۱۵
- ضرورت درک مرتبه‌ی زیبایی در هنر اسلامی /
چاپ در مجله مطالعات ایرانی، شماره ۱۴، پائیز ۱۳۸۷، دانشگاه شهید باهنر کرمان
- دیدگاه مولانا در باره‌ی هنر /
ارائه در همایش بزرگداشت مولانا، ۱۳۸۵، چاپ در مجموعه مقالات مولانا پژوهی، مولانا و نظریات ادبی، دفتر چهارم، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران ۱۳۸۶.
- قرآن نویسی در قرن‌های هفتم و هشتم هجری قمری /
ارائه در گردهمایی مکتب تبریز، اسفند ۸۶، تبریز، فرهنگستان هنر، و... چاپ در مجله پژوهش‌های اسلامی، شماره ۴ زمستان ۸۷، دانشگاه شهید باهنر کرمان
- نگاهی دیگر به تاریخ و علل پیدایش و تحول خط شکسته /
ارائه در همایش بین‌المللی لوح تا لوح، موزه هنرهای معاصر تبر ۱۳۸۴، چاپ در مجموعه مقالات سیر خط و

کتابت، ۱۳۸۴، نشر چامه

- معرفی یکی از قدیمی‌ترین کتیبه‌ها به خط نستعلیق /

چاپ در مجله مطالعات ایرانی، شماره ۷، پانیز ۱۳۸۷، دانشگاه شهید باهنر کرمان

- میرزا کاظم خان رونق‌علی خوشنویس اواخر دوره قاجار /

ارائه در گردهمایی گنجینه‌های از یاد رفته، فرهنگستان هنر، ۱۳۸۷، و چاپ در مجموعه مقالات گردهمایی جلد ۴.

- یاقوت مستعصمی و سبک‌شناسی قلم نسخ /

چاپ در نامه بهارستان، مجلس شورای اسلامی، دوره جدید، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۲.

- نگاهی نو به زندگی عمادالکتاب قزوینی /

ارائه در بزرگداشت عمادالکتاب، سازمان زیباسازی شهرداری تهران، چاپ در مجموعه مقالات پژوهشی سازمان

- قلم رقمه /

چاپ در دانشنامه جهان اسلام، جلد ۲۰

- جایگاه احمد نجفی زنجانی در خوشنویسی معاصر /

ارائه در بزرگداشت احمد نجفی زنجانی، سازمان زیباسازی شهرداری تهران، چاپ در مجموعه برگ‌های پژوهشی سازمان زیباسازی

- ربه‌ی قراختایی /

چاپ در مجله گلستان هنر، شماره ۸، تابستان ۱۳۸۶، فرهنگستان هنر.

- معرفی قرآن شماره‌ی ۱۸ از گنجینه‌ی موزه و کتابخانه‌ی ملک تهران /

ارائه در مجموعه سخن..... همایش ۱۴ روایت، موزه‌ی ملک،

- گزارش نسخه‌شناسی کلیات اشعار خواجه‌ی کرمانی، کتابت سال ۷۵۰ ه ق /

چاپ در مقدمه نسخه برگردان کلیات، دانشگاه شهید باهنر و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۹۲

- معرفی مشهورترین نسخه از اشعار خواجه‌ی کرمانی /

چاپ در نامه بهارستان، مجلس شورای اسلامی، دوره جدید، شماره ۴، تابستان ۱۳۹۳، و مقدمه نسخه برگردان سه مثنوی خواجه‌ی کرمانی، فرهنگستان هنر و دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۳۹۳.

- در باره‌ی خط نسخه الانبیه عن حقایق الدویه /

چاپ در کتاب فرزانه‌ایران مدار، مجموعه نوشتار به مناسبت نودمین سال تولد ایرج افشار، احسان الله شکراللهی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی، ۱۳۹۴.

- نسخه‌ی چاپ سنگی طوفان البكاء به همراه ملحقات /

نشست تخصصی فرهنگستان هنر،

- مشق خوش خیامی /

چاپ در مجله آنگاه، شماره ۷، پاییز ۱۳۹۷

- کتاب‌شناسی خوشنویسی /

چاپ در مجله جهان کتاب، شماره ۱۹ و ۲۰، سال سوم، ۱۳۷۷.

- قطّاعی، قطعه /

چاپ در مجله مطالعات ایرانی، شماره ۸، پائیز ۱۳۸۴، دانشگاه شهید باهنر کرمان

- در باره‌ی کتاب احوال و آثار درویش عبدالمجید طالقانی /

چاپ در ویژه‌نامه خوشنویسی نامه بهارستان، مجلس شورای اسلامی، دوره جدید، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۲

- افسانه‌ای دیگر در باره‌ی میرعماد خوشنویس /

چاپ در فصلنامه نقد کتاب هنر، شماره ۷، پاییز ۱۳۹۴

- آسیب‌شناسی نقد در خوشنویسی /

چاپ در مجله تندیس، شماره ۳۲۴، ۱۳۹۵.

- در باره‌ی وجه تسمیه و علل پیدایش خط نستعلیق /

چاپ در مجله تندیس، شماره ۲-۳۷۱، شهریور ۱۳۹۷

به نام خداوند جان و خرد

پیش‌گفتار

در دنیای جدید دیگر نمی‌توان خوشنویسی را بر جایگاه آرمانی آن در دوره‌های تیموری و صفوی شناساند. خوشنویسی بخشی از زمینه‌های حضور خود را در جامعه پویای هنری از دست داده است. ماهیت جامعه دستخوش تغییر شده است، و تغییر تعریف خوشنویس و ضرورت خوشنویسی، در نسبت با دوره شکوه و جلال روزگار حاکمیت سنت و حیات این هنر هویت بخش، نیز اجتناب‌ناپذیر بود؛ زیرا مرجع رجوع هنر تغییر کرد. هنر که با ضرورت‌ها و کاربرد تعریف می‌شد، و محمل اندیشه و نگرش نبود، با اندیشه و نگرش معنی پیدا کرد و خوشنویسی ظرف چنین مظلوفی نبود و البته همه سنت‌های رایج هنری عصر پیشین چنین دگردیسی را تجربه کرده بودند، در فرم و معنی، نگارگری ایرانی در اواخر قرن یازدهم هجری چنین تحولی را تجربه کرده بود و دیگر هرگز احیا نشد، زیرا زمینه اتصال با سنت خود را از دست داد. خوشنویسی تا اوایل سده چهاردهم هجری ضرورت، قدر و منزلت خود را در نسبت با بستر فرهنگی و معنی قابل درک هنر حفظ می‌کند، اما از آن پس دوران افسوس است و آنچه می‌ماند صورت است. و تکرار صورت فاقد معنی است که ماهیت خوشنویسی را تغییر می‌دهد. رشد و حیات همراه با تحول در هر هنری در دورانی تجربه می‌شود که هنر معنی خود را از جان جامعه بگیرد و خوشنویسی در اواخر قاجار دچار این گسست می‌شود، و حیاتش متکی به خاطره است و در طبقه‌بندی هنرها به درستی در هنرهای سنتی جای می‌گیرد، هنرهایی که در تحلیلی فلسفی فنون و صنایعی بودند که اگر مبانی زیبایی‌شناسی آن‌ها که ماهیت آن‌ها را معنی می‌بخشد در جامعه ساری و جاری نباشد محکوم به افول‌اند.

امروزه این‌گونه هنرها مانند جویباری به دور از هیاهوی متن جامعه حیات دارند. این جویبار لطفی دارد اما مرکز توجه نیست، شدت و ضعفش کسی را نگران نمی‌کند. خاطره‌ای است قومی که بی تردید نگران از دست دادنش هستیم؛ بنابراین با اندیشه احیا حیات دارند. این‌اندیشه تا جایی قوت می‌گیرد که پیروان هنر قابل فهم دوران، خوشنویسی را در قالب سنتی فاقد وجهت دانسته و احیای آن را در معنی جدید هنر، در تلفیق با رنگ و فرم، جدای از متن جستجو می‌کنند؛ که بی تردید در امتداد حیات خطی این هنر ارجمند

پیشین نیست. اما عکس‌العملی است معنی‌دار و گواهی است بر حقیقت تلخ پایان تاریخ خوشنویسی، این دوران خوشنویسان ویژه خود را تربیت می‌کند. توصیف این خوشنویسان بی‌تردید در جامعه خوشنویسی با سوء تفاهم همراه خواهد بود، اما ضرورت دارد، از آن جهت که فرصت شناخت و نقد واقعی مدتی است از هنر خوشنویسی سلب شده است، و اساساً در مواجهه با پدیده‌ای که در قوت نیست و نگران جان کم رفقش هستیم، حیاتش هدف می‌شود و نه چگونگی آن، وضعیتی که خوشنویسی سده اخیر داشت. این شرایط، جامعه و خوشنویسان را از شناخت واقعی خوشنویسی دور کرد، از جمله مهم‌ترین دلایل نقد گریزی جامعه خوشنویسی در کنار دلایلی که ریشه در ماهیت فرمی خوشنویسی دارند. و در فرصت مناسب باید به آن پرداخت. نیز همین شرایط است.

در هر صورت برای برون‌رفت از این شرایط، شناخت خوشنویسی در قالب پژوهش‌های روشمند و هدفمند در همه ابعاد ضروری است. بی‌تردید در پی این شناخت است که نقد راهبردی در فضای خوشنویسی شکل می‌گیرد و تصور درست‌تری در اذهان ایجاد می‌شود.

و خوشبختانه در پی آن سرنوشت محتوم، که به نظرم از آن گریز و گزیری نیست، خوشنویسی ایرانی از جمله هنرهایی است که به دلایل مختلف در سال‌های اخیر مورد توجه جدی برخی از پژوهشگران حوزه هنرهای سنتی ایران قرار گرفته است. هر چند این پژوهش‌ها در خور جایگاه خوشنویسی در هنر ایران نیست؛ زیرا می‌دانیم خوشنویسی از جمله موضوعاتی است که تا زمان قاجار بیشترین رسالات تعلیمی و تذکره در باره آن نوشته شده است و از این منظر با هیچ هنری در تاریخ هنر ایران قابل مقایسه نیست.

اما از آنجا که این هنر گرانقدر، پس از ایجاد مراکز آموزشی هنر، هرگز در سیستم دانشگاهی به عنوان موضوع مستقل وارد نگردید و آموزش و ترویج آن از طریق انجمن خوشنویسان هدایت شد، و تحت تاثیر شدید سلطه آموزش سنتی و عملگرا، سنت رویکرد شناختی مبتنی بر پژوهش‌های آکادمیک در آن ایجاد نشد، و چون در سیستم دانشگاهی هم حضور مستقل نداشت توجه پژوهشگران دانشگاهی نیز قرار نگرفت. البته آثار مهمی پیرامون تاریخ خوشنویسی تا پیش از دهه ۷۰ شمسی در ایران تالیف گردید، که به نظر می‌رسد در تداوم سنت تذکره‌نویسی است، اما متأثر از آموزش مدرن، آثاری همچون «احوال و آثار خوشنویسان» و «اطلس خط» و... که پیش از این در باره آن‌ها سخن رفته است. اما در حوزه تحلیل زیبایی شناختی، سبک‌شناسی، تبیین مبانی نظری و شیوه‌های نقد خوشنویسی تا پیش از دهه ۷۰ شمسی تالیفات مستقل و ارزشمندی انجام نپذیرفته است. و اساساً این‌گونه مفاهیم موضوع پژوهش نبوده‌اند.

بعد از انقلاب ۱۳۵۷، به دلیل تغییر رویکرد در هنر ایرانی و ایجاد برخی از رشته‌های هنری مانند صنایع دستی و هنر اسلامی و... توجه به هنرهای ایرانی و اسلامی و همچنین رونق خوشنویسی، پژوهش در ابعاد گوناگون خوشنویسی به وسیله پژوهشگران مستقل و دانشگاهی نیز رونق گرفت، هر چند هنوز هم غلبه با سنت تاریخ‌نگاری و تذکره‌نویسی است. و از این رو کمبود پژوهش و ارائه نظر و تبیین ساختار تئوریک خوشنویسی همچنان آشکار و به شدت معطوف به پژوهش‌های غربیان است.

در این مورد بجز برخی دیدگاه‌های اهل فلسفه و سنت گرایان که بیشتر در نسبت با تعریف هنر اسلامی سعی در تحلیل ماهیت خوشنویسی داشتند، و البته برخی صاحب‌نظران غربی هنر ایرانی و اسلامی، در ارتباط با سبک‌شناسی و تحلیل زیبایی‌شناختی و حتی علت‌های وجودی انواع خطوط در تاریخ خوشنویسی، که به

نوعی مباحث تاریخی قلمداد می‌شود، نیز تلاش‌های جدی را شاهد نبودیم. از این رو در جامعه خوشنویسی، دانسته‌ها در باره تاریخ خوشنویسی و سیر تحول خطوط از نوع باورند و نه دستاورد پژوهشی سنجش‌مند. بنابراین ضرورت بازنگری این باورها امری اجتناب‌ناپذیر است.

در همین راستا پژوهش‌های خود را مبتنی بر روش‌های علمی از مبانی نظری آغاز کردم و بعد به حوزه‌های تاریخ و سبک‌شناسی و نسخه‌شناسی گسترش دادم. در این پژوهش‌ها سعی بر شناخت فارغ از پیش‌داوری است، بنابراین خود را متعلق نوعی شناخت مبتنی بر رویکردی ویژه نمی‌دانم، و سعیم بر این بوده است در تحلیل پرهیز کنم از تحمیل درک امروزی بر مقتضیات زمانی پیش‌تر و یا تحلیل بر مبانی اثبات حقایق رویکرد، زیرا معتقدم هر دو روش آسیب‌های جدی بر شناخت وارد می‌کند. البته از سویی سعی کردم از طرح نظر جدید هراس نداشته باشم زیرا معتقدم ایجاد گفتمان بر مبانی دستاوردهای پژوهشی یکی از ضرورت‌های تحول در هر حوزه‌اندیشگانی است. بنابراین مجموعه حاضر که در واقع مجموعه‌ای از مقالات نگارنده است، تشکیل شده از ۲۵ مقاله در حوزه‌های تاریخ خوشنویسی، مبانی نظری خوشنویسی، نقد آثار و نسخه‌شناسی، که در طول ۲۰ سال گذشته در نشریات معتبر دانشگاهی، کنفرانس‌ها یا در قالب سخنرانی در مجامع هنری ارائه شده است.

موضوع برخی از مقالات حاضر این مجموعه برای نخستین بار در حوزه مطالعات مربوط به خوشنویسی مطرح شده‌اند؛ از جمله زیبایی‌شناسی خوشنویسی و مطالعات مربوط به رابطه عرفان و خوشنویسی و سبک‌شناسی. همچنین در خصوص مطالعات مربوط به تاریخ خوشنویسی مقالات ارائه شده حاوی نکات تازه و متفاوتی هستند، که باید از طرف صاحب‌نظران مورد نقد و سنجش قرار گیرند.

چند مقاله از مقالات مجموعه مربوط به نسخه‌شناسی است که با رویکردی متفاوت نگاشته شده‌اند. رویکردی که جایگاه نسخه را از منظر تأثیرگذاری در انواع سنت‌های هنری که در تاریخ کتاب‌آرایی مؤثر بوده‌اند می‌شناساند. و مقالات مربوط به مبانی نظری خوشنویسی با انگیزه شناخت و تبیین این موضوع در خوشنویسی نگاشته شده‌اند، زیرا معمولاً هر آنچه مربوط به تاریخ، تحلیل فرم و حتی سبک‌شناسی است به عنوان مبانی نظری خوشنویسی معرفی می‌شود که شایسته نیست.

دو نکته در مورد مقالات این اثر ضروری است، اول اینکه این مقالات از میان قریب ۵۰ مقاله انتخاب شده‌اند و دو مقاله ضرورت درک مرثیه زیبایی و هنر در مثنوی به دلیل نقش که در توضیح مبانی نظری خوشنویسی دارند در این مجموعه قرار گرفته‌اند. و نکته دیگر برخی مقالات در ساختار دانشگاهی منتشر شده‌اند بنابراین با چکیده تقدیم می‌شوند.

در تولید و انتشار این اثر باید از جناب انوشه مدیر محترم نشر مانوش تشکر کنم و همچنین از خانم طیبه معتمدی (همسر) که در نمونه خوانی و خانم الهه بهزادی که در تهیه متن تایی اثر و غلط‌گیری آن یاری فراوان به من رساندند. و از آقای آرین طوفان که زحمت صفحه‌آرایی کتاب را بر عهده داشته‌اند. برای همه این عزیزان آرزوی موفقیت دارم.

علیرضا هاشمی‌نژاد

کرمان

تابستان ۱۳۹۷

بخش اول

مبانی نظری خوشنویسی

در آمدی بر مبانی زیبایی‌شناسی خوشنویسی

چکیده

خوشنویسی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین هنرهای سنتی ایران در دوران اسلامی است. هنرهای سنتی هر جامعه، بر مبنای دیدگاه سنت گرای معاصر ریشه در الهیات حاکم بر آن جامعه دارند؛ چنان‌که خوشنویسی حیات خود را مرهون الهیات حاکم بر فرهنگ اسلامی و در واقع توجه به معنی متن است. از آنجا که تحلیل زیبایی‌شناسی هنرهای سنتی، و در گستره‌ای وسیع‌تر هنرهای شرقی چندان سابقه‌ای ندارد، از این رو بسیاری از ارزش‌های این‌گونه هنرها ناشناخته مانده است. و این عدم شناخت در تحلیل گران، تحت تأثیر ارزش‌های زیبایی‌شناسی غربی، منجر به نفی ماهیت بعضی از هنرهای سنتی، از جمله خوشنویسی گردیده است. اگر بر مبنای مهم‌ترین عناصر فلسفه هنر غرب، هنر راستین باید دو کارکرد ویژه داشته باشد؛ یعنی هم تخیلی (imaginative) و هم بیانی (expressive) باشد، هنر خوشنویسی را با توجه به ویژگی‌های شکلی و محتوایی واجد صفات تخیلی و بیانی می‌دانیم، حتی اگر صرفاً بعد این‌جهانی این عناصر مدنظر باشد. شناخت عناصر زیبایی‌شناسی خوشنویسی منوط به درک حضور معنی در هنر، زیبایی و خلاقیت مبتنی بر هندسه است. این ویژگی‌ها هنرمند را در تنگنایی غیر قابل انکار از نظرگاه خلاقیت و بیان قرار می‌دهند؛ اما خوشنویس توانسته است با وجود همه محدودیت‌ها، ذهنیت و فردیت را در آثار خود متجلی سازد.

واژگان کلیدی

زیبایی‌شناسی، خوشنویسی، هنرهای سنتی

۱- مقدمه

آثار هنری حاصل فرایندی است مستلزم جستجو، واکنش نسبت به محیط، حساسیت، انتخاب مصالح و موضوع که از همه‌ی این‌ها آن‌چه که خلق می‌شود معنی خاصی عاید مخاطب می‌سازد. بی‌شک این همه در تحلیل و تبیین ارزش‌های اثر هنری که در تأثیر و تأثر از عوامل فوق بوجود می‌آید اثر می‌گذارد. شناخت و سنجش آثار هنری با معیارهای عقلایی، و یا به عبارت دیگر سنجش عقلانی آثار هنری، دانشی است که

محصول عصر روشنگری است و در واقع پاسخی است به میل به ابهام زدایی در انسان عصر روشنگری؛ بنابراین بنیان آن در غرب است. هر چند که ریشه این مباحث در فلاسفه عصر کلاسیک یونان، بویژه افلاطون، ارسطو و بعدها فلوطین و دیگران است اما هرگز در آن دوران مبانی فلسفه هنر، نقد هنر و تحلیل زیبایی‌شناسی هنرها، بویژه هنرهای تجسمی، بشکل نظام‌مند رایج در دو سه قرن اخیر ارائه نگردید. اما در شرق اصولاً دانش تحلیل آثار هنری بر پایه سنجش عقلایی شکل نگرفت. البته منظور از سنجش عقلایی، تحلیل عقلانی هنر نیست، بلکه تحلیل برمبنای معیارهای ابژکتیو است. این‌که آیا ضرورتی برای ورود به این‌گونه بحث‌ها احساس نمی‌شده است و یا اهل فرهنگ از آن غفلت ورزیده‌اند، خود موضوعی قابل بررسی است. اما آنچه مشهود است فقدان دانش زیبایی‌شناسی در شرق است؛ بخصوص در ایران و در حوزه هنرهای سنتی. این فقدان باعث گردیده که هرگاه تلاشی هم در این زمینه آغاز شده است مبتنی بر معیارهای غربی بوده است. نتیجه آنکه در بسیاری از موارد منجر به نفی ماهیت و تحلیل نادرست بعضی از هنرها، بخصوص در حوزه هنرهای سنتی گردیده است. سنجش آثار هنرهای سنتی ایران با معیارهای زیبایی‌شناسی صرفاً عقلایی و شاید پر حرارت و سطحی که ریشه در عوامل خاص دوره‌ای از تفکر غربی دارد باعث آن می‌شود که در شناخت این‌گونه هنرها به نتایج ناصواب برسیم. بدون آنکه قصد تحقیر معارف حوزه زیبایی‌شناسی غربی را داشته باشیم، که البته از عقل سلیم بعید است. به نظر می‌رسد زیبایی‌شناسی غربی شاید چیزی جز دانش شناخت تأثیر حس و یا ادراک حسی در پدید آمدن انواع هنر و نسبت آن‌ها با تفکر انسان محور نیست و بنابراین هدفش شناخت امر عینی و واقعی و تحدید آن درحوزه‌ی تعریف است؛ واقعیتی این‌جهانی.

اما هنر سنتی سراسر مبتنی است بر ارتباط و مطابقتی که میان اشکال و صور از یک سو، و تعقل و شهود و تأثیرپذیری از الهیات جامعه از سوی دیگر. بنابراین برای شناخت ارزش‌های زیبایی‌شناختی هنرهای سنتی و یا تحلیل تجربه زیبایی‌شناسی در هنرهای سنتی ضمن بهره‌گیری از دانش زیبایی‌شناسی غربی، باید سعی شود به مبانی زیبایی‌شناسی برگرفته از ارزش‌های هنرهای سنتی و ماهیت آن‌ها تکیه کرد؛ که امکان تحلیل وجوه ناشناخته این‌گونه هنرها را فراهم سازد. از این رو سعی می‌شود برای ورود به بحث، خوشنویسی به عنوان یکی از هنرهای مهم و تأثیرگذار که به نظر می‌رسد محمل کمال یافته ارزش‌های سنتی و دینی ایران است محور بحث قرار گیرد.

در خوشنویسی که از کابردی‌ترین، قانون‌مندترین و هندسی‌ترین هنرهای سنتی است، معمولاً عناصری مانند خلاقیت و اکسپرسیون نفی می‌شوند؛ تا جایی که آن را فنی فاقد روح و عناصر فعال هنر می‌دانند و خوشنویس را از درک نوعی تجربه زیبایی‌شناختی محروم می‌دانند. اما در این مقال سعی می‌شود با تکیه بر تحلیلی زیبایی‌شناختی و در جهت کشف عناصری مانند خلاقیت و اکسپرسیون، عناصر زیبایی‌شناسی خوشنویسی بازشناسی گردند.

۲- تعریف خوشنویسی

خوشنویسی به معنی «هنر زیبا نوشتن» (Osborne, p185) در فرهنگ شرق از ارزش والایی برخوردار است و برای «مسلمانان هم عمل با فضیلتی محسوب می‌شده است» (سودآور، ۱۳۸۰: ۲۰). این ارزش صرفاً به دلیل ایجاد فرم‌های زیبا برای حروف و کلمات نیست، بلکه واجد ارزش است از این رو که سعی دارد ارتباط معنایی بین فرم و متن از سویی و ذهنیت هنرمند از سویی دیگر بوجود بیاورد، زیرا اصولاً انگیزه اصلی پیدایش آن هم در پی ظهور متن، نه به عنوان نوشته‌ی حامل پیام عادی، بلکه متن واجد ارزش‌هایی فرامادی است؛ به همین دلیل شاید نشود هر نوشته به ظاهر زیبا را که عناصری مانند نسبت هندسی ساختار فرمی آن را تشکیل می‌دهد و بنابراین از زیبایی ظاهری برخوردار است مانند حروف چایی، انواع تایپوگرافی خوشنویسی به معنی خاص کلمه دانست. با توجه به ظهور خوشنویسی و تکامل انواع آن در فرهنگ‌هایی که صاحب متونی با ارزش فراج جهانی هستند، باید عامل اصلی پیدایش خوشنویسی را تلاش در جهت ایجاد رابطه‌ی ظاهر (نوشته متن) و باطن (معنی) آن دانست.

چنان‌که در فرهنگ اسلامی مسلمانان با تلاش برای یافتن «لباسی زیبا برای قامت یار» سعی در ثبت این جهانی کلام خدا کردند، به شکلی که برانده‌ی آن کلام معنوی باشد. و به تعبیری شاید مسلمانان از خود پرسیدند «آیا نمی‌توانیم برای چشم هم چیزی داشته باشیم که به شایستگی چیزی باشد که برای گوش داریم» (لینگز، ۱۳۷۵: ۲۹) و البته چون آن چیزی که برای چشم داشتند شایسته به تصویر کشیدن کلام الهی نبود، سعی در هماهنگی فرم و محتوی کردند «تا قرآن به شیوه‌ای شایسته مرتبه ابدیش نوشته آید» (فریه، ۱۳۷۴: ۳۰۶) اما آیا در راز پیدایش و به تبع آن تعریف خوشنویسی می‌توان تنها به عامل تأثیر متن - هر چند که بسیار هم مهم است - بسنده کرد؟ بی‌شک پاسخ خیر است. زیرا معتقدیم که «برای آفرینش، بابه عبارت بهتر تحقق خوشنویسی واقعی ترکیب چند عامل لازم است؛ درک جامعه از نوشتار، اهمیت متن، قوانین صریح، و اغلب بر مبنای ریاضیات، در ارتباط با خطوط و صفحه نوشتار، مهارت و درک خط، ماده‌ی نوشتاری و ابزار نوشتن، تماماً عواملی به‌شمار می‌روند که در این امر مؤثرند.» (گاور، ۱۳۶۷: ۲۰۷) در توضیح این تعریف که یکی از کامل‌ترین تعاریف برای خوشنویسی است، به این نتیجه می‌رسیم که جامعه اسلامی در اثر پی بردن به ضرورت عواملی مانند درک از نوشتار و ضرورت درست نوشتن و در پی آن درست خواندن، که خود عامل پیدایش قوانین صریح برای ایجاد فرم‌های قابل تعمیم در نوشتن است، خوشنویسی اسلامی را خلق کرد. با نزول قرآن در جامعه‌ای که فرهنگ مکتوب سابقه‌ای در حد معلقات سبع (آیتی، ۱۳۷۷: ۱۰) داشت، منظور سرزمین حجاز در زمان ظهور اسلام است که معلقات سبع مهم‌ترین آثار مکتوب فرهنگ عرب بود و در پی ضرورت ثبت و انتقال کلام الهی، به دلیل نوع نزول قرآن، که شفاهی بود و گسترش جغرافیای اسلامی درکی از نوشتار ایجاد شد که منجر به اصلاح خطوط رایج و ثبت دقیق کلام گردید. این ضرورت به همراه اهمیت متن قرآن در دین اسلام و بی‌شک جایگاه هندسه و ریاضیات در فرهنگ‌های هم‌جوار جامعه مسلمین، عوامل اصلی پیدایش خوشنویسی را در کنار هم قرار داد.

اهل نوشتن به مرور با توجه به شکل حروف و کلمات، که طبیعتاً تغییر در آن بعید می‌نمود، زیرا علائمی بود

پذیرفته شده برای ثبت زبان عربی، از هندسه و ریاضیات برای اصلاح و پیراسته کردن حروف بهره بردند و «هندسه‌ای روحانی» (Khatibi&Sijelmassi,p6) را بر کالبد آن حاکم ساختند. روحانی از آن جهت که اساساً هندسه محمل هنر دینی است. عاملی است که امکان تجلی تصورات فرامادی را فراهم می‌کند. چنان‌که در تمدن ایرانی و بیزانس قابلیت ریاضیات را برای صعود به حقایق روحانی کشف کرده بودند. زیرا آن‌ها «پی برده بودند که ریاضیات تنها نتیجه‌ی تمایل دوری از شمایل سازی و تجسم و توجه به امر ذهنی و مجرد نیست بلکه وسیله‌ای است که با آن رب‌النوع‌ها بر زمینه‌ی مادی منعکس می‌شوند و ماده را شفاف می‌سازند» بی‌شک نمود ریاضیات و نسبت‌های هندسی در هنرهای اسلامی در قالب فرم هندسی است، بر همین اساس اولین حرکت اساسی در پیدایش خوشنویسی درکی هندسی از عناصر خط بود که در قالب سه عامل اصلی یعنی «نقطه معیار، الف معیار و دایره معیار» (گاور، ۱۳۶۷: ۲۰۹) نمایان گشت.

که ایجاد ارتباط معنی‌دار بین این سه عامل را هندسی کردن خط نامیدند و بانی آن را ابن مقله می‌دانند. آنچه تاکنون آمد در توضیح عوامل مؤثر بیرون از ذهن هنرمند در شکل‌گیری خوشنویسی بودند، اما ذهنیت هنرمند خوشنویس هم بعد از کسب مهارت در آموختن صورت خط در تکامل خوشنویسی مؤثر بوده است. ارتباط هنر خوشنویسی با مبانی اصلی دین اسلام و قدسی‌ترین پدیده اسلامی یعنی قرآن، خوشنویسی را به عنوان هنر قدسی و هنر دینی معرفی می‌کند. این ارتباط در خوشنویس مسلمان از طریق مبادی اعتقادی، او را هم هنرمند دینی می‌شناساند. بنابراین منبع الهام عالم قداست و آن‌جهانی است و تکامل فرم و حرکت در خوشنویسی مبتنی بر شناخت و تأثیر هنرمند از منبع فیض است. همچنین می‌شود نتیجه گرفت که تجربه زیبایی‌شناسی برای خوشنویس در سیر از عالم ماده به معنی شکل می‌گیرد. پس درک عالم معنی در تحقق خوشنویسی و تفسیر و تبیین آن عاملی تعیین‌کننده است؛ و نمی‌توان تنها با دانش تحلیل صور مادی مبتنی بر ذهنیت انسان این‌جهانی همه‌ی ابعاد هنر خوشنویسی را شناخت.

در خصوص نقش تعیین‌کننده ابزار در پیدایش کلیت خوشنویسی چندان موافق تعریف ارائه شده نیستیم، اما در حوزه‌ی فرهنگ‌های خاصی که صاحب خوشنویسی هستند، می‌توان ابزار را از عوامل اصلی تحقق نوع ویژه‌ی آن فرهنگ از خوشنویسی دانست. بعنوان مثال حذف قلم نی و مرکب از فرهنگ خوشنویسی اسلامی بدون تردید ما را در تحقق بخشی از ارزش‌های خوشنویسی اسلامی بدور خواهد ساخت. ارزش‌هایی که بویژه در خصوص ارتباط درون خوشنویس با فرم و محتوای کلام و تصویری که از شاکله و هندسه‌ی حروف در تأثیر و تأثر از محیط پیرامونی دارد. در خوشنویسی چینی قلم مو این نقش را ایفا می‌کند و جابجایی قلم‌مو و قلم‌نی در دو شیوه‌ی تکامل یافته‌ی خوشنویسی چینی و اسلامی ممکن نخواهد بود. زیرا در خوشنویسی اسلامی با قلم‌نی تحقق هندسه‌ای خاص امکان‌پذیر می‌شود. بنابراین ابزار نقش تعیین‌کننده دارد.

۳- ویژگی‌های زیبایی‌شناختی خوشنویسی

۳-۱- اکسپرسیون^(۱)

۳-۱-۱- نفس بیان در هنر قدسی

اگر به ویژگی‌های زیبایی‌شناسی هنر در معنای عام بنگریم به واژگانی برمی‌خوریم از قبیل «پویا، درخشان، مبتذل، مؤثر، رساننده‌ی معنایی از...» (هنفلینگ، ۱۳۷۷: ۹۷) این واژگان همه مبتنی بر درکی حسی از اثر هنری است. در هیچ کدام از این واژه‌ها اثر ارزش‌گذاری نمی‌شود، نقد نمی‌شود فلسفه‌ی پیدایی آن بیان نمی‌شود. همان‌طور که ویژگی‌های زیبایی‌شناسی خوشنویسی را در فرهنگ سنتی هم واژگانی از قبیل محکم، شیرین، درست، بی‌تکلف، باصفا، باشان و... بیان می‌کنند. اما ویژگی بسیار مهمی که در جهان معاصر از مهم‌ترین ویژگی‌های یک اثر هنری شمرده می‌شود ویژگی بیانگری (Expressive) آن است. یک اثر باید نشان از معنایی داشته باشد یا به تعبیر دیگر در خدمت بیان‌اندیشه‌ای، باز نمود احساسی، بیان درکی از لحظه‌ای و... باشد. آیا چنین ویژگی در خوشنویسی نمایان است؟ اگر ادبیات و مفاهیم کلمات و جملات را از خوشنویسی بگیریم حامل چه پیام دیگری می‌تواند باشد؟ و یا در حوزه هنرهای دینی اگر خوشنویسی در خدمت کتابت قرآن قرار نمی‌گرفت و نگیرد چگونه هنر دینی قلم‌داد می‌شود؟ و آیا تنها موضوع خوشنویسی (کتابت قرآن مجید) است که هنر خوشنویسی را دینی معرفی می‌کند؟

برای پاسخ به تردیدهای فوق معتقدیم: چنان‌که این‌گونه پدیده‌ها در خدمت بیان معنایی فرا مادی قرار نمی‌گرفتند، از محدوده فن فراتر نمی‌رفتند و به هنر تبدیل نمی‌شدند. یا اصولاً هرگز موجودیت نمی‌یافتند. بنابراین نمی‌توانیم قائل به آن باشیم که خوشنویسی می‌توانست در خدمت کتابت قرآن قرار نگیرد، زیرا همان‌طور که اشاره شد ظهور و حضور متن‌هایی با ویژگی معنایی فارغ از عالم ماده از ضروریات پیدایش خوشنویسی بوده است و نسبت این متون با هنر خوشنویسی مانند نسبت زیرو زیر است. توضیح این‌که تمدن‌هایی که با متن برخوردار از نوع برخوردار شرقی نداشته‌اند هرگز به ضرورت خوشنویسی پی نبرده‌اند. هرچند بعدها در تایپوگرافی به این نتیجه می‌رسیم که آن‌چه در نوشتار ساده قابلیت بیان نمی‌یابد در تایپوگرافی نمایان می‌شود.

در هر صورت متن‌های ویژه‌ای در شرق دور و دنیای اسلام از ویژگی قداست بهره می‌برند و این «قداست به معنی ذات مطلق نامرئی و فوق بشری یعنی تجلی مینو و الوهیت است» (ستاری، ۱۳۷۶: ۷۱) و زاینده امر قدسی، زیرا «امر قدسی حاکی از تجلی عوالم برتر در ساحت‌های نفسانی و مادی هستی است. منشأ صدور امر قدسی عالم روحانی است» (نصر، ۱۳۷۰: ۹۶) بطوریکه عبارت قرآنی «ن والقلم (سوره قلم) می‌تواند الهام بخش روح مومن قرار گیرد که در باره خواص پنهانی حروف بیندیشد و هر لحظه انواع دل‌انگیزتری از آن‌ها را با اهتمام بیشتر ابداع کند» (Ferrier, p 306) و (فریه، ۱۳۷۴: ۳۰۶).

۳-۱-۲- واقعیت عالم روحانی و نسبت آن با بیان

عالم روحانی برای انسان در تمدن سنتی عالمی کاملاً واقعی و انکار ناپذیر است، زیرا «امر مقدس با قدرت و در نهایت با واقعیت برابر است. مقدس با هستی اشباع شده. قدرت مقدس به معنای واقعیت و در عین حال تداوم و سودمند بودن است.» (الیاده، ۱۳۷۵: ۱۳) بنابراین هنرمند خوشنویس در ارتباط با واقعیت قداست و عالمی که منشأ قداست است در خدمت بیان چه ویژگی از آن عالم قرار می‌گیرد؟ عالم الوهیت از عواطف و احساسات بشری به دور است، و منشأ صدور مفاهیم مبتلا به بشر نیست. حقیقتی که در آن عالم ساری و جاری است حقیقت کمال است؛ زیرا برای انسان تمدن سنتی، عالم معنی در برگیرنده نوع کمال یافته هر پدیده، به تعبیر دیگر (زیبایی) است، که همان حقیقت مطلق است. از این رو نظر به عالم ماورای حس، هنرمند را از بیان حقایق این جهانی منصرف ساخته و مسیر او را در خدمت بیان حقیقتی سرمدی تعریف می‌کند. این ویژگی، یعنی بیان زیبایی خصوصیت بارز هنر قدسی است.

البته این ویژگی همه هنرهای سنتی است «هنر سنتی با حقایقی سروکار دارد که در آن سنتی که این هنر جلوه‌ی هنری و صوری آن است مندرجند.» (نصر، ۱۳۸۰: ۴۹۵)

۳-۱-۳- ویژگی کاربردی هنرهای سنتی و نسبت آن با بیان

هنرهای سنتی، با توجه به جایگاه سنت بعنوان واقعیتی انکار ناپذیر، در راستای حیات ملموس بشر پا به عرصه وجود گذاشته‌اند، و هر یک نیازی واقعی را پاسخ می‌دهند. از قضا این ویژگی پایه استدالات منکرین بیانگری هنرهای سنتی قرار گرفته است. چنان‌که مهم‌ترین ایرادی را که بر هنر خوشنویسی وارد داشته‌اند، کاربردی بودن آن است. به معنایی که خوشنویس با اشکال ثابت حروف در خدمت ثبت اندیشه انسان است؛ و معتقدند اگر واسطه زبان در حوزه زبان‌شناسی را حذف بکنیم با اشکالی روبرو می‌شویم که دال بر هیچ مفهومی نیستند و بنابراین کاربردی غیر از ثبت آن‌چه که انسان بر زبان می‌آورد برای خوشنویسی متصور نیستند.

اما کاربردی بودن هنر سنتی در راستای تبیین این نظر که هنر سنتی در خدمت بیان زیبایی و در خدمت کشف کمال و نهایتاً زیبایی مطلق است خود ارزش محسوب می‌شود و اتفاقاً پایه‌ی استدلال. زیرا ما هم معتقدیم که «هنر سنتی به عمیق‌ترین معنای کلمه عملی (کارکردی) است، یعنی برای کاربردی معین خلق شده است خواه این کاربرد پرستش خداوند در یک عمل عبادی باشد خواه تناول یک وعده طعام. بنابراین چنین هنری فایده‌گرایانه است، اما نه به معنای محدود فایده که تنها فایده‌ی انسان خاکی از آن مد نظر باشد. فایده‌ی آن به انسان خلیفه‌الله مربوط می‌شود که در نظر او زیبایی یکی از جوانب زندگی و همان قدر اجتناب‌ناپذیر است، که خانه‌ای که در فصل سرمای زمستان جان‌پناه اوست.» (نصر، ۱۳۸۰: ۴۹۶)

درک از زیبایی در زندگی انسان حاضر در تمدن سنتی کمک می‌کند که او از فضای هیولایی زندگی مادی فارغ شود و حرکت به سمت الوهیت و به تعبیری صیورورت و شدن دائم را تجربه کند، زیرا در اتصال به غیب، معنای کمال بی‌انتهاست و هر لحظه تجربه، درکی دیگر از زیبایی و در واقع تجربه زیبایی‌شناختی

مفاوتی را در معرض انسان قرار می‌دهد. این اتصال انسان را به منبع فیزی متصل می‌کند که فقط ختم به زیبایی است.

گفت کز صورت مبیند این هنر که به خواب و مرگ گردد بی‌خبر
صورت آمد چون لباس و چون عصا جز به عقل و جان نجنبند نقش‌ها
(مولوی، دفتر چهارم، ۳۷۲۶ و ۲۷)

۳-۱-۴- بیان زیبایی، غایت خوشنویسی

بنابراین مهم‌ترین نکته‌ای که خوشنویس در بیان آن می‌کوشد درک از زیبایی است. البته این تلاش در بستر فرهنگی معنی می‌دهد که خوشنویسی زاییده معنویت آن است. هنرمند خوشنویس در جستجوی کمال، نقش‌هایی را که معرف حروف هستند با الهام از چنان عالمی می‌آفریند. تجلی لاهوت در ناسوت. خیال هنرمند متأثر از معنی در زمان تصور نقوش و عینیت بخشیدن به آن‌ها در واقع ناظر به حقیقت بوده است. به قول امام محمد غزالی «در این حال خیال صور خویش را از حسن ظاهر و محسوس نمی‌گیرد بلکه مبدأ الهام تلقی آن نقوش عالم ملکوت است و چون ناظر به حقیقت است بیان حقیقت و ختم کلام، زیبایی می‌کند.» در واقع «خوشنویسی را می‌توان تجلی‌گاه معنویت انسانی دانست.» (فریه، ۱۳۷۴: ۳۰۶) و (Ferrier, 1989: p. 306) اگرچه در صورتی که فارغ از تفاسیر فوق به خوشنویسی بنگریم، ویژگی حرکت به سمت کشف نهایت تناسب بین اجزا و تکامل فرم هندسی، خوشنویس را در خدمت ویژگی‌های زیبایی‌شناختی از جمله: شکوه، پویایی و ایجاد حرکت و میل به رهایی قرار می‌دهد.

۳-۲- خوشنویسی واجد خلاقیت

برای اثبات حضور عنصر خلاقیت در خوشنویسی چند ویژگی زیبایی‌شناسی را در خوشنویسی بررسی می‌کنیم.

۳-۲-۱- ابداع

مهم‌ترین نقدی را که بر خوشنویسی و بعضی از دیگر هنرهای سنتی وارد دانسته‌اند آن است که این‌گونه هنرها در واقع تکرار فرم‌های ثابتی هستند که بعد از تکامل نسبی، در واقع هنرمند دیگر بدون امکان هیچگونه ابداع و یا خلاقیتی آن فرم‌های ثابت را تکرار می‌کند. (Castera, 1999: 20) اما همان‌گونه که اشاره شد هنر خوشنویسی مبتنی بر هندسه و ریاضیات شکل گرفته است. به عنوان مثال در خط نستعلیق بعد از دوره‌ی تکامل (دوره میرعماد)، مختصات هندسی ویژه‌ای برای حروف و کلمات تعریف شد که تقریباً کلیت آن‌ها مورد پذیرش خوشنویسان است. اما این هندسه ثابت با تکیه بر ذهنیت و خلاقیت هنرمندان خوشنویس آن‌چنان تنوعی را در خوشنویسی انواع خطوط بوجود آورده است که تنها در نستعلیق با توجه به مختصات